

رشد اقتصادی یا پایداری منابع آب؟

رشد روزافزون تقاضا برای آب به دنبال تغییرات جمعیتی، افزایش درآمدها و تغییر در سبک زندگی، توسعه فعالیت‌های اقتصادی و تغییرات تکنولوژیکی از یک طرف و محدودیت منابع آب در کشور از طرف دیگر، شکاف فزاینده بین عرضه و تقاضای آب را در کشور ایجاد کرده است. نگرانی‌های مربوط به تخریب منابع آبی و کاهش خدمات اکوسیستم‌های آبی در کنار شرایط رکود اقتصادی، بحران اشتغال، روابط بین‌المللی حساس و پرتنش، این سؤال را پیش روی سیاستمداران گذاشته است که آیا باید به توسعه و رشد اقتصادی کشور اولویت داد یا به حفظ و پایداری منابع آب و بقای تمدن سرزمینی کشور؟ آیا به غیر از انتخاب بین این دو گزینه، راه دیگری وجود دارد که هم رشد اقتصادی و توسعه محقق شود و هم منابع آبی کشور به صورت پایدار برای نسل‌های آینده حفظ شود؟

در سال‌های اخیر مفهوم «اقتصاد سبز» به عنوان دیدمانی که رشد اقتصادی و افزایش رفاه را همراه با حفظ محیط‌زیست و کاهش فقر مد نظر می‌دهد، توسط صاحب نظران و نهادهای بین‌المللی مطرح و دنبال می‌شود. مطالعات متعدد توسط کارشناسان برجسته در سراسر دنیا تأیید می‌کند که در دیدمان اقتصاد سبز، رشد اقتصادی با پایداری محیط‌زیست و منابع آب سازگار و همراستا بوده و فرصت‌های اشتغال جدیدی ایجاد می‌کند. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD) اقتصاد سبز را «تشویق رشد اقتصادی و توسعه از طریق بروز فرصت‌های جدید اقتصادی توأم با ایجاد اطمینان از حفظ دارایی‌های طبیعی که در تأمین خدمات ذخایر طبیعی و محیط‌زیستی نقش دارد و رفاه و بهزیستی جامعه متکی به آنها است» تعریف می‌کند. کلید ورود به دیدمان اقتصاد سبز مفهوم «جداشدگی رشد اقتصادی از منابع» است.

کلید ورود به دیدمان اقتصاد سبز مفهوم «جداشدگی رشد اقتصادی از منابع» است.

این جداشدگی در دو حوزه جداشدگی از منابع و جداشدگی پیامدها بررسی می‌شود. تحقق جداشدگی از منابع به معنی نرخ رشد اقتصادی بیشتر از نرخ رشد مصرف منابع می‌باشد. به دنبال کاهش پیامدهای محیط‌زیستی فعالیت‌های اقتصادی، جداشدگی پیامدها اتفاق می‌افتد. این جداشدگی به صورت نسبی یا مطلق اتفاق می‌افتد. تحقق جداشدگی به تغییر در شرایط مقتضیات استراتژیک چون دانش، ظرفیت، سیاست، فناوری و تأمین مالی نیاز دارد و از طریق تغییرات ساختاری در الگوهای کسب و کار، سبک زندگی، شیوه حکمرانی و سیاست‌های امنیت غذا، انرژی و فرایندهای اقتصاد کلان دنبال می‌شود. مواجهه صحیح با چالش‌های کاهش مصرف آب به نحوی که بتواند به پایداری بیانجامد و جداشدگی را محقق کند، نیاز به آگاهی کافی از عوامل مؤثر بر تقاضا و استفاده آب و اتخاذ رویکردی کل‌نگر و فرابخشی به مدیریت آب دارد. عوامل کلیدی در این زمینه شامل نوآوری‌های به موقع و مناسب برای ایجاد تحول ساختاری در مسیرهای رشد اقتصادی، سیاست‌ها و اقدامات مدیریت به هم پیوسته منابع آب در سطوح محلی، حوضه آبریز و ملی و مقیاس‌های فراملی، و سرمایه‌گذاری اساسی برای ارتقای تکنولوژی و نوآوری‌های مربوط به بهبود کارایی آب و بهره‌وری در سطح مناسب از نظر مقیاس زمانی و فضایی.